سری جدید «حسینیه معلی» با استقبال و البته انتقادهای شدیدی همراه شده است

پروژه پیچیده شادی مذهبی

مریم فضائلی
خبرنگار

«حسینیه معلی» بعد از چهار فصل، برای مخاطب برنامه‌ای ناشناخته نیست و توانسته است که به مرور زمان برای خودش، یک هویت مستقل بسازد. به این معنا که طراحان و برنامه‌سازان چنین ایده‌ای در دو ساحت فرم و محتوا تلاش دارند از نمونه‌های قبلی پیشی بگیرند. برنامه از فصل اولش در سال ۱۴۰۰ تا به الان فرم و ظاهری نسبتاً یکسان داشته است و در هر فصل به فراخور مناسبت‌ها، تغییری در دکور و اجرا حاضر در استودیو به وجود آورده است. تغییراتی که عمدتاً بزرگ شدن استودیو را نشان می‌دهد و به جایگاه تماشاچیان صندلی اضافه می‌شود. البته این تغییرات گاهی وقت‌ها به دور از حاشیه نبوده است، مخصوصا حاشیه‌هایی که به مداحان داخل برنامه مربوط می‌شد. حسینیه معلی با نکنیک‌ها تلویزیونی و هنری این امکان را برای جامعه هدف خود ایجاد کرد که مدیحه‌سرایان اهل بیت را خارج از چهارچوب‌های مرسوم و پیشینی ببینند. خیلی طول نکشید که توانست برای به یک برنامه‌های جدی معارفی بینندازد.

در همان ابتدا به این برنامه برچسب «عصر جدید مذهبی» زده شد اما به مرور حسینیه معلی ثابت کرد که به دنبال استعدادیابی نیست و اهداف دیگری دارد. اهدافی که در آن اصلا جایی از رقابت و داوری کردن نیست و حتی به افراد پشت میز، لقب داکترین اهل‌بیت داده شده داوران یک مسابقه. با فرارسیدن ایام شعبان، حسینیه معلی نشان داد که برای مناسبت‌های شاد هم برنامه دارد. شاید برای اولین بار بود که یک برنامه مناسبتی شاد، اعیاد مذهبی را خارج از شکل‌های کلیشه‌ای صداوسیما جشن گرفت. حسینیه معلی ثابت کرد که شادی مذهبی را هم می‌توان در قالب فرم‌ها و اجراهای تلویزیون نشان داد و این امر غیرقابل وقوعی نیست.

حسینیه بین‌المللی

این برنامه با شعار حسینیه‌ای برای ایران، توانسته با نشان دادن آداب و رسوم مناطق مختلف ایران در هنگام شادی و عزا، تصاویر مغفول مانده از آیین‌های کمبود شادی اجتماعی ایرانیان، هم تئوریزه می‌شود و اتفاقا مبتنی بر چنین دیدگاهی است که مدیران فرهنگی، سراغ ایده‌هایی برای شادی آفرینی در سطح جامعه می‌روند، مثل تولید برنامه‌ای مثل خنداوله در تلویزیون. شاید تولید برنامه‌ای مثل خنداوله را بتوان واکنشی از سوی مدیران تلویزیون برای چنین وضعیتی تعبیر کرد اما آیا برنامه‌ای همچون حسینیه معلی را هم می‌توان نسخه‌ای صرفا برای ارتقای شادی جمعی ایرانیان دانست؟ با هر متر و معیاری سراغ حسینیه معلی بروید، این برنامه در قالب برنامه‌های معارفی تلویزیون تعریف می‌شود نه برنامه‌ای برای خندیدن و خنداندن. بین سه مداح ایرانی که ارکاکتری متفاوت برای او ساخت. نزار قطری که روحیه‌ای لطیف دارد و بسیار خوب به فارسی مسلط است، باعث رنگارنگی اجرای این برنامه شده است، ضمن اینکه هیجانات او در مواجهه با ایرانیان صحنه‌هایی جالبی خلق کرده است. حضور شیخ زکزاکی، رهبر جنبش نیجریه در این برنامه هم یک اتفاق خاص حساب می‌شود. تا قبل از این، شیخ زکزاکی به حضور شیخ زکزاکی در استودیو می عملی و برگزاری آیین عمامه‌گذاری اتفاقی جدید، در تاریخ تلویزیون بود. حضور گروهی از مردم اندونزی که همراه با سران آیین همنوایی «اجرامی کردند و مولودی با محتوایی برای پنج تن می‌خواندند، لحظات شادی را خلق کرد. در پایان این مراسم، این گروه برای چهار مداح و مجری برنامه از لباس‌های رنگی و زیبای محلی خودشان هدیه آوردند. به جز حضور شیخ زکزاکی در استودیو هم عملی و برگزاری آیین عمامه‌گذاری اتفاقی جدید، در تاریخ تلویزیون بود. حضور گروهی از مردم اندونزی که همراه با سران آیین همنوایی «اجرامی کردند و مولودی با محتوایی برای پنج تن می‌خواندند، لحظات شادی را خلق کرد. در پایان این مراسم، این گروه برای چهار مداح و مجری برنامه از لباس‌های رنگی و زیبای محلی خودشان هدیه آوردند. به جز حضور شرکت‌کنندگان عمامه‌گیرانی، تنوع شرکت‌کننده‌هایی که از داخل ایران به این برنامه رفته بودند هم صحنه‌های زیبایی را رقم زد.

این پروژه طولانی است

معلوم نیست این گزاره از کجا و چگونه عمومیت یافته که ایرانی‌ها آنقدرها که در غصه خوردن و گریاندن مهارت دارند در نشاط و شادی، موفق نیستند و اصولا خیلی سخت می‌خندند. ممکن است چنین گزاره‌ای را نپذیرید و با واقعیت‌های موجود خود منطبق ندانید، اما به هر حال در فضای رسانه‌ای، شکل عمومی یافته و گاه‌گذاری به کمک آمار و رتبه‌بندی‌های جهانی، مساله کمبود شادی اجتماعی ایرانیان، هم تئوریزه می‌شود و اتفاقا مبتنی بر چنین دیدگاهی است که مدیران فرهنگی، سراغ ایده‌هایی برای شادی‌آفرینی در سطح جامعه می‌روند، مثل تولید برنامه‌ای مثل خنداوله در تلویزیون. شاید تولید برنامه‌ای مثل خنداوله را بتوان واکنشی از سوی مدیران تلویزیون برای چنین وضعیتی تعبیر کرد اما آیا برنامه‌ای همچون حسینیه معلی را هم می‌توان نسخه‌ای صرفا برای ارتقای شادی جمعی ایرانیان دانست؟ با هر متر و معیاری سراغ حسینیه معلی بروید، این برنامه در قالب برنامه‌های معارفی تلویزیون تعریف می‌شود نه برنامه‌ای برای خندیدن و خنداندن. بین سه مداح ایرانی که ارکاکتری متفاوت برای او ساخت. نزار قطری که روحیه‌ای لطیف دارد و بسیار خوب به فارسی مسلط است، باعث رنگارنگی اجرای این برنامه شده است، ضمن اینکه هیجانات او در مواجهه با ایرانیان صحنه‌هایی جالبی خلق کرده است. حضور شیخ زکزاکی، رهبر جنبش نیجریه در این برنامه هم یک اتفاق خاص حساب می‌شود. تا قبل از این، شیخ زکزاکی به مناسبت سالگرد حادثه تلخ زاریا مقابل دوربین‌های شبکه یک رفته بود. حضور شیخ زکزاکی در استودیو می عملی و برگزاری آیین عمامه‌گذاری اتفاقی جدید، در تاریخ تلویزیون بود. حضور گروهی از مردم اندونزی که همراه با سران آیین همنوایی «اجرامی کردند و مولودی با محتوایی برای پنج تن می‌خواندند، لحظات شادی را خلق کرد. در پایان این مراسم، این گروه برای چهار مداح و مجری برنامه از لباس‌های رنگی و زیبای محلی خودشان هدیه آوردند. به جز حضور شرکت‌کننده‌های عمامه‌گیرانی، تنوع شرکت‌کننده‌هایی که از داخل ایران به این برنامه رفته بودند هم صحنه‌های زیبایی را رقم زد.

این پروژه طولانی است

معلوم نیست این گزاره از کجا و چگونه عمومیت یافته که ایرانی‌ها آنقدرها که در غصه خوردن و گریاندن مهارت دارند در نشاط و شادی، موفق نیستند و اصولا خیلی سخت می‌خندند. ممکن است چنین گزاره‌ای را نپذیرید و با واقعیت‌های موجود خود منطبق ندانید، اما به هر حال در فضای رسانه‌ای،

حسینیه بین‌المللی

این برنامه با شعار حسینیه‌ای برای ایران، توانسته با نشان دادن آداب و رسوم

سعید ستودگان تهیه‌کننده حسینیه معلی:

در حال تاسیس روش برنامه‌سازی برای شادی اهل‌بیت هستیم

مریم فضائلی
خبرنگار

برنامه «حسینیه معلی» از محرم سال ۱۴۰۰ در حال پخش است و از همان شروع ظرفدار ان پروپاقرص خودش را پیدا کرد. البته که مثل هر برنامه جدیدی که کمی ساختارشکنی می‌کند، منتقدانی هم دارد. در تیتراژ این برنامه دو نام برده می‌شود؛ نام امام حسین(ع) و دیگری سعید ستودگان به عنوان تهیه‌کننده حسینیه معلی. ستودگان در این باره به ما گفت: «از ابتدا یا اگذاشتیم اصلا برنامه تیتراژ نداشته باشد که بخواهیم اسم عوامل بخورد. اما در پایان برنامه یک نام امام حسین(ع) می‌آید و اسم من را گذاشتند که به عنوان کمترین عضو در مجموعه تهیه‌کننده هستم تا کار رسمیت بگیرد.» به بهانه سری جدید این برنامه، با سعید ستودگان گفت‌وگو داشتیم که در ادامه می‌خوانید.

حسینیه معلی در اجرا و مدل برگزاری به یک هویت نسبی رسیده و حالا در سری جدید، بحث‌ها و نظرات قابل توجهی از سوی موافقان و مخالفان این برنامه مطرح می‌شود. با وجود اینکه اولین بار نیست که سراغ شادمانه‌های مذهبی و آیینی می‌روید، اما فصل جدید معلی با سری‌های پیشین تفاوت آشکاری دارد. کمی درباره ضرورت این پرداخت جدید بگویید و اینکه چه شد که برای فصل پنجم به این فرم از اجرا رسید؟

در حوزه برنامه‌سازی مذهبی و معارفی تقریبا به یک الگوی ثابت رسیده بودیم و در ایام شهادت ائمه معصومین یک برنامه مناسب شهادت ائمه آماده می‌کردیم. ایده اینکه به یک ماه عزاداری هم که شده، بتوانیم برای ایام شهادت ائمه برنامه‌سازی کنیم، اما با همان وسع کمی که تا قبل از ساخت حسینیه معلی داشتیم، به هیچ الگوی ظریف و کوچکی برای ساخت برنامه متناسب با ایام شادی ائمه معصومین نرسیده بودیم. این موضوع باعث شده بود که هر بار اسم جشن آورده می‌شد برنامه‌هایی که شاید چند صد بار شبیه آنها ساخته شده بود و یک الگوی ساده‌ای داشت، تولید کنیم. حسینیه معلی اتفاقی که رقم زد این بود که الگوی برنامه‌سازی برای شادی ائمه معصومین(ع) را شکست و تغییر و ارتقا داد و به قاعده‌ای رساند که چیدمان از جدیدی در حوزه برنامه‌سازی معارفی به وجود آورد. اگرچه این راهم باید گفت که حسینیه معلی در ایام جشن و ایامی که متناسب با موالید اهل بیت است، هنوز در مقام تاسیس قرار دارد؛ یعنی در حال تاسیس یک روش جدید برای برنامه‌سازی معارفی در ایام شادی اهل بیت هستیم. به همین خاطر ما کار سخت‌تر شده و باعث می‌شود جاهایی را آزمون و خطا کنیم؛ تا مسیر درست‌تری پیدا کنیم. همه اینها نشان دهنده کم‌وکاستی‌هایی در زمان‌های قبل است و قطعا ضرورت ساخت برنامه‌هایی مثل معلی را در این نقطه می‌توان احساس کرد.

ایده برنامه چطور شکل گرفت و چه تدبیری داشتید که این برنامه به تکرار نیفتد؟

دو علت می‌توانم برای پاسخ به سوال شما بگویم. یک نظر من ظرفیت علقمی که ما در حوزه هیات‌ها، آیین‌ها و مناسک مذهبی داریم یکی از علت‌هایی است که ما تکمیک می‌کند گفتار تکرار نشویم. یکی دیگر هم خود وجود مقدس ائمه معصومین(ع) است که هیچ زمان برای محبان شان تکراری نمی‌شوند. قیام امام حسین(ع) در روز عاشورای سال ۶۱ هجری یک بار اتفاق افتاده و یک روایت واحد دارد اما می‌بینیم در طی ۱۴۰۰ سال، نه‌تنها تکراری نشده بلکه روزبه‌روز قوی‌تر و سرزنده‌تر شده است.

در فضای مدیحه‌سرایی اهل بیت سلام‌الله‌علیها، مداحان و کارشناسان حاذق فراوانی داریم. ملاک برنامه شما برای انتخاب کارشناسان و مداحان حاضر در استودیو چه بوده است؟

در عین حال که حسینیه معلی نشان دهنده یک هیات است، باید به این هم توجه کنیم که ما یک حسینیه و هیات تلویزیونی هستیم، یعنی باید چهارچوب‌ها و قواعد برنامه‌سازی تلویزیونی را رعایت کنیم و با احترام به استانداردهای برنامه‌سازی تلویزیونی، هیات و حسینیه خود را برگزار کنیم. در فضای جامعه مداحان کشور و همچنین در جامعه جهان تشیع، طرفیت‌های بسیار عظیم، انسان‌های بسیار هنرمند و مخلص و همچنین خلق و خوش ایده و فکر فراوان داریم. در حسینیه معلی مداحان با نام و ذاکرین اهل بیت حاضر شده‌اند. ما هم برای اینکه بتوانیم از تمام این ظرفیت استفاده کنیم، با توجه به رویکردی که در فصل پنجم برنامه معلی برای خود در نظر گرفتیم، هدف‌گذاری‌هایی کردیم. ازجمله اینکه به چه محتواهایی پرداخته شود و متناسب با این اهداف از مداحان دعوت کردیم.

ما در این برنامه شرکت‌کننده‌های عمامه‌گیرانی هم می‌بینیم. برای مثال حضور شیخ زکزاکی و مهمان‌هایی که از کشورهای دیگر آمده بودند. درباره مهمان‌ها و روند انتخاب آنها توضیح دهید.

در همان ابتدا که سراغ شروع حسینیه معلی، یک محور اصلی مشخص کردیم. هدف‌مان این بود که این برنامه تعظیم شعائر اهل بیت(ع) باشد، یعنی تعظیم شعائر شیعه و اسلام و انتخاب دهیم. این تعظیم شعائر می‌تواند در مداحی باشد یا در آیین‌هایی که در دوترین نقاط روستاها و کشور انجام می‌شود یا اینکه می‌تواند در آیین و مناسکی باشد که دریک جای دیگر کره زمین، شیعیان و محبان اهل بیت(ع) انجام می‌دهند. همچنین می‌تواند در وجود شخصیت بزرگواری باشد که شعائر اهل بیت(ع) را اقامه کردند. ما محور قرار دادن این نکته به نظرم پاسخ سوال شما روشن می‌شود. به همین خاطر در ایام محرم از مداح سه ساله خردسال تا پیرمرد ۹۰ ساله را می‌بینیم که برای توجه خوانی آمده‌اند؛ از هیات‌های ترک‌های اردبیل می‌توانند در حسینیه معلی اجرای برنامه داشته‌اند تا گمنام‌ترین هیئات در روستایی در شهر شاهرود. یک شخصیت ملی در سطح ایران می‌تواند میهمان برنامه باشد یا یکی مثل جناب شیخ زکزاکی برگزار که معروف به امام آفریقا هستند. ایشان توانستند مفاهیم شیعی را وارد فاز وقوع کنند شد ۳۶ درصد است. بعد به صورت شفاهی به ما گفتند در نظرسنجی بعدی که انجام دادیم آمار مخاطبان معلی به ۲۰ درصد رسیده که البته اعلام عمومی نشد، ۴۰ درصد مخاطب یعنی ۲۰ درصد جمعیت بالای ۱۲ سال ایران که می‌توان گفت حسینیه معلی حدود ۲۰ میلیون مخاطب داشته است.

با بحث حسینیه معلی ویژه ماه شعبان به بازخوردهایی از سمت مردم داشتید؟

تاکنون سه قسمت از ۱۳ قسمت حسینیه معلی پخش شده و یکی خدا را شاکریم که مردم عیبی به ما لطف داشتند و نام اهل بیت(ع) هر جایی باشد می‌درخشد. بازخوردها خیلی خوب بوده و بسیار فراتر از آن چیزی که فکر می‌کردیم بازخورد داشته است. الحمدلله مردم دیده‌اند و خوش‌آمده و باعث شده پیوند قلبی آنها بین جریان‌هایی با عراقی‌ها نزدیک‌تر شود. در بین بازخوردها می‌توانم موضوع را داشتیم که توانستند با همین چند قسمت این پیوند قلبی را تقویت کنند. خدا را شاکریم و یقین داریم این برنامه می‌تواند به مخاطبان ما هیچ ارتباطی به ما ندارد و هم از نور و عنایت و برکت امام حسین(ع) است.

پس حسینیه معلی که قرار بود برای ۸۰ میلیون ایرانی برنامه داشته باشد در حال بزرگ شدن است.

الحمدلله! خود امام حسین(ع) برای همه مردم دنیاست، امام حسین(ع) فقط امام حسین ایرانی‌ها یا عراقی‌ها نیست. امام حسین برای همه است و ما هم فقط اینجا کارگری می‌کنیم که بتوانیم رضایت صاحب اصلی حسینیه را به دست بیاوریم.

با گذشت دو سال ونیم از شروع این حسینیه معلی، چقدر این برنامه را موفق می‌دانید؟ از بار ایده‌ای که در ذهن طراحان این پروژه وجود داشت تا چیزی که الان اجرایی شود، چقدر شباهت وجود دارد؟

به نظرم درابتدا با راهنماهای موفقیت را باید تعریف کرد که به چه چیزی موفقیت می‌گوییم. موفقیت قطعا این است که مورد رضایت خود حضرت سیدالشهدا(ع) و اهل بیت قرار بگیریم و فقط امیدواریم مورد قبول ایشان قرار گرفته باشد. حسینیه معلی به خاطر زحمات خالصانه‌ای که حدود ۲۰۰ نفر از خادمین در اینجا می‌کشند تبدیل به پرمخاطب‌ترین برنامه معارفی تاریخ تلویزیون ایران شده است. نمی‌دانم این را می‌توان ملاک موفقیت دانست یا خیر ولی حداقل دلخوشی داریم که این بزرگ‌ترین حسینیه تاریخ جهان شیعه توانسته اسم امام حسین(ع) را به گوش انسان‌های بسیاری برساند. تنها دلخوشی ما همین است و اگر این جزء ملاک‌های موفقیت است خود امام حسین(ع) کمک کند ثابت قدم باشیم و با قوت بیشتری ادامه دهیم.

در آن دهن نیست که برنامه از میزان زیادی محبوبیت برخوردار باشد اما شما عدد و آماری دارید؟

مرکز افکارسنجی سازمان صداوسیما در تابستان ۱۴۰۲ بعد از پخش فصل محرم برنامه حسینیه معلی هم نظرسنجی و هم اثرسنجی برای این برنامه انجام داد. طبق گزارش مرکز تحقیقات صداوسیما، حسینیه معلی پرمخاطب‌ترین برنامه معارفی تاریخ تلویزیون ایران است؛ یعنی در تاریخ تلویزیون، هیچ برنامه‌ای به این تعداد مخاطب نرسیده بود. طبق آخرین نظرسنجی که انجام شد بین ۳۶ الی ۴۰ درصد مخاطب در محرم داشتیم. آن چیزی که به صورت رسمی اعلام شد ۳۶ درصد است. بعد به صورت شفاهی به ما گفتند در نظرسنجی بعدی که انجام دادیم آمار مخاطبان معلی به ۲۰ درصد رسیده که البته اعلام عمومی نشد، ۴۰ درصد مخاطب یعنی ۲۰ درصد جمعیت بالای ۱۲ سال ایران که می‌توان گفت حسینیه معلی حدود ۲۰ میلیون مخاطب داشته است.

برنامه مذهبی نوآورانه یا شوی تلویزیونی مذهبی

تعادلی که فعلا به هم خورده است!

سیدمیلاد ناظمی
روزنامه‌نگار

«این شب‌ها»، «کلمه»، «مخاطب خاص»، «صبا خدا»، «حسینیه معلی» و... همگی برنامه‌های مذهبی هستند که برای مخاطب خاصی تولید و پخش می‌شوند. یکی مخاطبش «عموم مردم» است و دیگری «عموم مردم دیندار» را هدف قرار داده است. اهل فن و برنامه‌سازها خوب می‌دانند که فرق همین دو عبارت در طراحی یک اثر تلویزیونی و زمان پخشش چقدر تفاوت رقم می‌زند. حالا تصور کنید که برخی برنامه‌های دینی یک قشر خاص از مردم دیندار را مخاطب خود قرار می‌دهند. مثل برنامه کلمه که تمرکز خود را روی مساله «عرفان در دین» گذاشته، احتمالا برای مخاطبان حرفه‌ای و تخصصی کلمه برنامه‌ای مثل مخاطب خاص یا سمت خدا که برخی موضوعات شان ممکن است رنگ و بوی عرفانی پیدا کنند، آثاری غیرجذاب و سطحی به نظر برسند مثلا همه ما خوب می‌دانیم که این برنامه‌ها برای مخاطب خود بسیار جذاب، اثرگذار و حتی عمیق به حساب می‌آیند. با این مقدمه می‌خواهم بگویم که برنامه‌ای چون حسینیه معلی با باید با مقیاس‌های خودش مورد بررسی قرار دهیم. مقیاس‌هایی که به ما می‌گوید معلی یک برنامه مذهبی است که شباهت زیادی به شوهای استعدادیابی دارد اما به طور ویژه تلاش کرده که از «عصر جدید» فاصله بگیرد. ناظمی که بی‌اغراق در آن موفق بوده و حالا پس از پخش چند فصل از این برنامه کمی نیست که آن را با یک برنامه استعدادیابی مقایسه کند. نکته قابل توجه به همراه استفاده دست از برخی چهره‌های مذهبی و معرفی گروه‌های مختلف از سراسر ایران باعث شده حسینیه معلی یک تلواری شاخص در عرصه برنامه‌سازی محسوب شود و مخاطب مذهبی تلویزیون با آن ارتباط برقرار کند. این روند که به طور کلی فرآیندی مثبت بوده ادامه پیدا کرد و فصل جدید برنامه نیز برای ماه شعبان به تولید رسید. اولین تصاویر فصل جدید حسینیه معلی مربوط به پشت صحنه این برنامه و شوخی‌های سیدمجتبی فاطمه‌ومیثم مطیعی مربوط می‌شد. شوخی‌هایی که شاید کمتر کسی توقع آن را از این دو مداح داشت. از تقلید صدای شخصیت‌های کارتونی تا تقلید اندازه‌های مختلف به همدیگر بخشی از روند تیم برنامه آن را متشنج و واویلا کرد. همین ویدئو نوید یک اثر متفاوت را می‌داد و در واقع به مخاطبان این پیام محابره شد که قرار است از یک بنی فاطمه جدید و به طور خیلی خاص تر از یک میثم مطیعی جدید روبه‌نمایی شود. دیدن این شوخی‌ها برای بچه‌های عی که میثم مطیعی را در اواخر دهه ۸۰ و اوایل ۹۰ به یاد داشتند کمی شوکه‌کننده بود. کمتر کسی باورش می‌شود که مداحی ۱۲-۱۰ سال پیش حتی نمی‌گذاشت صدایش ضبط شود و هرگونه کارروساله‌ای را به اهمیه ما خوب می‌دانیم که این برنامه‌ها برای مخاطب خود بسیار جذاب، اثرگذار و حتی عمیق به حساب می‌آیند. با این مقدمه می‌خواهم بگویم که برنامه‌ای چون حسینیه معلی را باید با مقیاس‌های خودش مورد بررسی قرار دهیم. مقیاس‌هایی که به ما می‌گوید معلی یک برنامه مذهبی است که شباهت زیادی به شوهای استعدادیابی دارد اما به طور ویژه تلاش کرده که از «عصر جدید» فاصله بگیرد. ناظمی که بی‌اغراق در آن موفق بوده و حالا پس از پخش چند فصل از این برنامه کمی نیست که آن را با یک برنامه استعدادیابی مقایسه کند. این نکته قابل توجه به همراه استفاده دست از برخی چهره‌های مذهبی و معرفی گروه‌های مختلف از سراسر ایران باعث شده حسینیه معلی یک تلواری شاخص در عرصه برنامه‌سازی محسوب شود و مخاطب مذهبی تلویزیون با آن ارتباط برقرار کند. این روند که به طور کلی فرآیندی مثبت بوده ادامه فصل جدید حسینیه معلی را هم خورده است. فصل جدیدی که شروع شوکه‌کننده‌ای داشت و شیخ زکزاکی مهمان ویژه آن بود. البته فضای برنامه که آن باشکوهی داشت و شیخ زکزاکی مهمان ویژه آن بود. البته فضای برنامه که آن مخاطب را با مفاهیم و بنی فاطمه جدیدی روبه‌رو کرده بود اما عموم مردم دیندار، برای این برنامه نشستند و از قضا همین مخاطبان نیز در عرض چند قسمت تبدیل به منتقد برخی اتفاقاتی شدند که در استودیو معلی رقم خورد. اتفاقی که حاج محمود کریمی هم به درستی آن را هدف نقدش قرار داد و گفت «در دناک‌ترین جمله دعای ندبه این الطالب بدم المُعَطَّل پکژلانه را سنت و نیاید

پیام اختصاصی محسن قرائتی به برنامه حسینیه معلی

اسلام هم دین غم است و هم شادی

محسن قرائتی که سال‌ها در تلویزیون برنامه مخاطب «درس‌هایی از قرآن» را داشت، در پیامی ویدئویی به برنامه معلی در مورد شادی در اسلام و لزوم توجه به آن صحبت کرده است. متن این پیام را در ادامه بخوانید.

«اسلام از آنجا که دین جامعی است، هم خنده دارد، هم گریه. من اگر به دیگران تلقین می‌کنی ۴ ما حدیث داریم که مشکلت را به دیگران نگو. این دخترچه‌ها به مادرشان می‌گویند مامان بیم عروسی، چون در عروسی لباس شیک بپوشیدند و آرایش کردند و این برای بچه جاذبه دارد. اما دیدید خودت کمک کن، من خودم بارها و بارها دیدم که می‌کنم و به یادداشت نگاه می‌کنم اما چیز دیگری می‌گویم. رزق مردم چیز دیگری است. اگر می‌خواهید برنامه‌ای شیرین شود بگویید خدایا دل ما را خوبت متوجه می‌کند، دل‌مان را شاد می‌کند. اما ساعتها ما تلخی‌ها را زیاد می‌گوییم، مثلا اگر یک شب سحری نخوریم، به صد نفر می‌گوییم، دیدی چی شد، دیشب سحری نخوردیم، اما نمی‌گوییم ۲۹ شب سحری خوردیم، یعنی تلخی‌ها را بزرگ می‌کنیم. خنده، شادی، تلخی و... همه چیز باید با هم باشد. گاهی غم هست اما چرا به دیگران منتقل می‌کنی؟ چرا تلخی‌ها را به دیگران تلقین می‌کنی؟ ما حدیث داریم که مشکلت را به دیگران نگو. شادی را نقل کن اما غم و مشکل را نقل نکن. در اسکناس یک نخ است، آن نخ به اسکناس ارزش می‌دهد. ما هر برنامه‌ای داریم باید بگوییم خدایا خودت کمک کن، من خودم بارها و بارها یادداشت می‌کنم و به یادداشت نگاه می‌کنم اما چیز دیگری می‌گویم. رزق مردم چیز دیگری است. اگر می‌خواهید برنامه‌ای شیرین شود بگویید خدایا دل ما را خوبت متوجه می‌شوی، یعنی فهمیدن، خندیدن و گریه کردن زمان و عوامل دارد. یک‌سری عوامل پیدا است و یک‌سری عوامل ناپیدا، به عوامل ناپیدا هم باید توجه کرد.»

ادب بقای مقربان

میلاد جلیل‌زاده
خبرنگار گروه فرهنگ

قدیم‌ها عده‌ای بودند که در حسینیه‌ها و تکایای محل زندگی‌شان سالی یک بار دارو مراسم و سفر نرجمه می‌خواندند. بار دهه ۸۰ و اوایل ۹۰ با یاد می‌کردند. اینها در واقع ایام سال به ضرورت عرف اجتماعی تا چار بودند شأن آن چند روز زیاده دارند و رفتارشان حساب شده باشد. این به آن معنا نبود که لزوما فلان نوحه‌خوان یا اپیاگر نقش اولیا در تعزیه، با تفزاتر و با حال‌تر از بقیه مردم باشد که البته خیلی از اوقات چنین هم بود، اما هم پرش داشتم و گفتند ما مطرب هستیم و ذکر اهل حسین حرف دارد. خوب نیست که کار مصیبت را هیاتی‌ها از دهان ما بشنوند. ما همین گوشه می‌نشینیم و گریه می‌کنیم. شما بخوانید... شاید جواد بیاری یک خواننده کوچه‌بازاری ساده و سطح پایین و عامیانه ارزیابی شود اما حداقل او دارد قدیه‌ها و شأن هرکس و هرچیز را می‌داند. او سال دوم‌ای است که بازیگران سینما‌یش توصیه‌های پزشکی نمی‌کردند و خواننده‌هایش ادعای فیلسوف بودن نداشتند. فوتبالیست‌هایش هم لید سیاسی نمی‌شدند. اساتید دانشگاه و چهره‌های معتبر فرهنگی و علمی هم در آن دوره خودشان را حفظ کنند و بنا به دلایلی این برنامه در بزنگاه‌ها هویت خودش را نادیده می‌گیرد و تن به بخش‌هایی می‌دهد که واویلا می‌شود اما از اعتبار اثر می‌کاهد. این عدم تعادل در فصل جدید حسینیه معلی به شکلی چالش برانگیز شده که بخش زیادی از منتقدان برنامه، مخاطبان مذهبی و از قضا مخاطبان فصل‌های قبلی این برنامه هستند و چه بسا نقدهایی که می‌شود بیشتر از هر چیزی بوی دلسوزی و نگرانی می‌دهد؛ چراکه عدم حفظ تعادل در برنامه‌هایی مثل معلی و امحطل، می‌تواند یک محافظه‌کاری شدید را در تولید آثار نوآورانه مذهبی رقم بزند. بسته شدن این باب نوآوری نه به نفع مخاطب است و نه به نفع رسانه ملی، به همین خاطر بهترین راه کمک به سعید ستودگان و سیدبشیر حسینی این است که برنامه را به تعادل قبلی بازگردانند. تعادلی که شاید خاطره‌گویی‌های عجیب مطیعی در آن غایب باشد اما حتما باعث رضایت مخاطب، حفظ سرمایه اجتماعی و احترام چهره‌های مذهبی مانند خود مطیعی می‌شود.

جوزده نشویم

عاطفه جعفری
خبرنگار گروه فرهنگ

قرار است در قاب تلویزیون برنامه‌ای شاد ببینیم اما مقتضیات و چهارچوب‌های این برنامه‌ای شاد با دیگر برنامه‌های شاد و سرگرم‌کننده تلویزیون متفاوت است؛ برنامه معلی جدید فصلی است که در مناسبت‌های خاص از قاب تلویزیون پخش می‌شود. ایده اولیه معلی ساخت برنامه در محرم ۱۴۰۰ بود. در همان فصل هم توانست مخاطبان زیادی را پیدا کند، اما سازندگان فقط بر روی ایده اولیه متوقف نشدند و تصمیم گرفتند برنامه‌ای برای مناسبت‌های شاد مذهبی هم بسازند و تقریبا هم در اجرای ایده موفق بودند. لزوم توجه به فلوشادی در جامعه‌ای که بیشتر جمعیت آن را جوانان تشکیل می‌دهند، از اهمیت بسزایی برخوردار است. ولی این مدل برنامه نباید در فرم و محتوا، شبیه برنامه‌های سرگرم‌کننده معمول شود. برخی اتفاقات در فصل پنجم، باعث شدتا واکنش‌هایی به این برنامه در فضای مجازی و رسانه‌ها ایجاد شود تا کمی نقد به این برنامه وارد شود.

ایجاد و دوباره چهارچوب‌های ساخت این مدل برنامه‌ها باید آوری شود. حتما به برنامه‌های شاد مذهبی احتیاج داریم و غفلت کردن این سال‌ها هم اشتباه بوده است و اینکه گفته می‌شود ما بیشتر برای سوگ اجتماعی آمادگی داریم و هیچ برنامه‌ای برای شادمانی آن هم در نوع مذهبی در نظر نداریم یا طراحی نکرده‌ایم حرف درستی است؛ شاید تلویزیون متفاوت است؛ برنامه معلی جدید فصلی است که در مناسبت‌های خاص از قاب تلویزیون پخش می‌شود. ایده اولیه معلی ساخت برنامه در محرم ۱۴۰۰ بود. در همان فصل هم توانست مخاطبان زیادی را پیدا کند، اما سازندگان فقط بر روی ایده اولیه متوقف نشدند و تصمیم گرفتند برنامه‌ای برای مناسبت‌های شاد مذهبی هم بسازند و تقریبا هم در اجرای ایده موفق بودند. لزوم توجه به فلوشادی در جامعه‌ای که بیشتر جمعیت آن را جوانان تشکیل می‌دهند، از اهمیت بسزایی برخوردار است. ولی این مدل برنامه نباید در فرم و محتوا، شبیه برنامه‌های سرگرم‌کننده معمول شود. برخی اتفاقات در فصل پنجم، باعث شدتا واکنش‌هایی به این برنامه در فضای مجازی و رسانه‌ها ایجاد شود تا کمی نقد به این برنامه وارد شود.

ادامه از صفحه ۱۲

تاملی در باب نمایش «کفنم کجاست؟»

و مردگان آن سال عاشق‌ترین زندگان نبودند!

پوریا پرندوش
منتقد تئاتر و دکترای جامعه‌شناسی سیاسی

«کفنم کجاست؟»، نمایشی به کارگردانی احمد حامدی که تا پنجم اسفند ماه ۱۴۰۲ در تالار کوچک مولوی در حال اجراست، شرح زندگی و مرگ مردگانی از سه نسل و سه دوره تاریخی است؛ مردگانی که نه عاشق‌ترین زندگان سال‌های زندگی‌شان بودند و نه قرار است که بعد از این حتی نامی یا نشانی از آنها جز دارایی‌شان، یعنی همان کفن سفید زنده‌ای که بر تن دارند داشته باشند. پیش ازهرچیز شاید بهتر باشد که شمای کلی‌ای از نمایش در ذهن داشته باشیم. در خلاصه نمایش آورده شده که قرار است شاهد نمایش شش شخصیت در قبرستانی متروک باشیم که در تلاشند تا مانع از تخریب قبرهایشان توسط بولدوزر شوند. نمایش در چهار پرده یا یک ترجیع‌بند تعریف شده است که هر اپیزود داستان دو نفری را روایت می‌کند که در قبرهای دوطبقه به صورت عمودی در زیر و بالای هم دفن شده‌اند و اکنون در دنیای مردگان در گورستانی قدیمی در کنار یکدیگر قرار گرفته‌اند. هر پرده از این نمایش سه پرده‌ای که یکی پس از دیگری روایت می‌شوند ماجرای متفاوتی را در خود جای داده است از دغدغه‌هایی متفاوت و سرنوشت‌هایی مشابه یعنی مرگ. در پرده اول ما شاهد مردی هستیم که نخست منکر مرگ خویش است و با چاقویی که در پشت دارد در نهایت به همسری می‌پیوندد که سال‌های پیش از دستش داده بوده؛ زندگی ناکرده اینباشته از قفری که این بار شاید در مرگ دنبال شود. در پرده دوم اما این بار ما شاهد آنیم که زنی زاهد، مسیحی‌ای معتقد در سپیده‌دمانی تصمیم به انداختن خود از روی عرشه کشتی می‌گیرد و غرق می‌شود، خودکشی یک راهبه که قرار نبوده است روزی برسد که بخواهد به بوچی‌ای برسد که چاره‌ای جز فرو رفتن و اعماق زمین برای خود ندیده باشد؛ در قبر زیرین او اما مردی است که او هم اتفاقا به دلیل ناتوانی از تامین هزینه درمان دختر خردسالش خود را به گارد زیل کوبیده و کشته است. گفت‌وگویی که نخست بین دو آغاز می‌شود و کم‌کم زن پی می‌برد که عامل پیوند او به دیگری نه مذهب که اتفاقا احساسات مشترک انسانی است. در پرده